

آیه رضوان: آیه هجدهم سوره فتح در باره

بیعت صحابه با رسول خدا ﷺ در عمره ناتمام

سال ششم

این آیه گویای خشنودی خداوند از مؤمنان صادق در بیعت با پیامبر ﷺ است. از آن جا که در این آیه از مؤمنان اظهار رضایت شده، آن را «آیه رضوان» گفته اند: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح/۴۸، ۱۸)

پیامبر ﷺ همراه برخی مسلمانان که شمار آنان را ۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ تن نوشته اند^۱، در ذی قعدة سال ششم هجرت به قصد زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج عازم مکه شد.^۲ چون به حدیبیه در نه میلی مکه رسیدند^۳، مشرکان قریش راه را بر آنان بستند و از ورودشان به مکه جلوگیری کردند. رسول خدا ﷺ خراش بن خزاعی را به سوی مشرکان قریش فرستاد تا به آنان بگوید که مسلمانان برای زیارت خانه خدا آمده اند و در پی جنگ نیستند. مشرکان

دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ الخلاف: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش سید علی خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۸ ق؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق؛ روح المعانی: الکوئی (م. ۱۲۷۰ ق.)، به کوشش علی عبدالباری، بیروت، ۱۴۱۵ ق؛ روض الجنان: ابوالفتوح رازی (م. ۵۵۴ ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش؛ ریاض المسائل: سید علی الطباطبائی (م. ۱۲۳۱ ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق؛ شرائع الاسلام: المحقق الحلّی (م. ۷۶۶ ق.)، به کوشش سید صادق شیرازی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ ق؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش؛ کشاف القناع: منصور البهوتی (م. ۱۰۵۱ ق.)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق؛ کشف الغطاء: کاشف الغطاء (م. ۱۲۲۷ ق.)، مهدوی، اصفهان؛ کنز العرفان فی فقه القرآن: الفاضل المقداد (م. ۸۲۶ ق.)، به کوشش بهبودی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳ ش؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق؛ المجموع شرح المذهب: النووی (م. ۶۷۶ ق.)، دار الفکر؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام: الشهید الثانی (م. ۹۶۵ ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ ق؛ منتهی المطلب: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ ق.)، چاپ سنگی؛ المنیر: وهبة الزحیلی، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۱ ق؛ میزان: الطباطبائی (م. ۱۴۰۲ ق.)، بیروت، علمی، ۱۳۹۳ ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ ق.)، قم، آل البیت، ۱۴۱۲ ق.

لطف الله خراسانی



۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۱۴؛ الاصفی، ج ۲، ص ۱۸۱؛ بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۵۴.
 ۲. الطبقات، ج ۲، ص ۷۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۷۱.
 ۳. السیره النبویه، ج ۳، ص ۷۷۴؛ تاریخ خلیفه، ص ۳۶؛ المعارف، ص ۱۶۲.
 ۴. السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۰۸؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷۴؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۲۹.

سازش نکردن در برابر مشرکان است.^{۱۲}
 ۲. نزول سکینه و آرامش در قلب مؤمنان و ثبات بر دین^{۱۳}، از دیگر پاداش‌های نیک به بیعت‌کنندگان است.^{۱۴} بشارت به فتح و پیروزی در آینده‌ای نزدیک که مقصود از آن را فتح خیبر^{۱۵}، فتح مکه^{۱۶} یا فتح هجر^{۱۷} (بحرین) دانسته‌اند.

برخی از مفسران اهل سنت ذیل آیه رضوان روایتی از رسول خدا نقل کرده‌اند که هیچ یک از بیعت‌کنندگان پیمان رضوان یا اصحاب شجره به تعبیر مورخان، وارد جهنم نمی‌شود.^{۱۸} بر پایه روایتی دیگر از آن حضرت، بیعت‌کنندگان در پیمان رضوان بهترین افراد روی زمین هستند.^{۱۹} از این رو، به گفته آلوسی، دوستی و تکریم بیعت‌کنندگان رضوان و نیز خشنودی از آنان، بر مسلمانان لازم است.^{۲۰} اما بر پایه نقل ابن عباس در تفسیر ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ﴾ سکینه و آرامش تنها بر آن دسته از بیعت

شتر قاصد پیامبر ﷺ را پی کرده، او را بازگردانند.^۱ سپس عثمان برای رساندن پیام به مکه فرستاده شد.^۲ تأخیر سه روزه عثمان موجب شایعه قتل وی شد.^۳ با انتشار این شایعه، پیامبر ﷺ زیر درختی^۴ به نام سمره^۵ با اصحاب خویش بیعت کرد^۶ که با مشرکان بجنگند و کسی از جنگ نگریزد.^۷ بدین رو این پیمان بیعت رضوان^۸، بیعت شجره، یا بیعت حدیبیه نامیده می‌شود.^۹ خداوند با نزول آیه رضوان خشنودی خویش را از آن مؤمنان بیان کرد.

افزون بر خشنودی خداوند از مؤمنان که آن را به معنای پاداش آنان دانسته‌اند، چند مطلب دیگر در این آیه بیان شده است: ۱. علم خداوند به نیت مؤمنان. گفته‌اند مراد از ﴿مَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ در آیه، حسن نیت و صدق در بیعت^{۱۰} یا ایمان و دوستی دین^{۱۱} یا غیرت و تصمیم بر

۱. الکامل، ج ۲، ص ۲۰۳؛ المنتظم، ج ۳، ص ۲۶۹.

۲. المغازی، ج ۲، ص ۶۰۰؛ المنتظم، ج ۳، ص ۲۶۹.

۳. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۷۹؛ الکامل، ج ۲، ص ۲۰۲.

۴. لسان العرب، ج ۷، ص ۴۲۰؛ لغت نامه، ج ۸، ص ۱۲۱۲۹.

۵. جامع البیان، ج ۲۶، ص ۱۱۳؛ البحر المحیط، ج ۹، ص ۴۹۲.

۶. السیره النبویه، ج ۳، ص ۷۸۰؛ عیون الاثر، ج ۲، ص ۱۱۹.

۷. الروض الانف، ج ۶، ص ۴۶۰؛ عیون الاثر، ج ۲، ص ۱۱۹.

۸. جامع البیان، ج ۲۶، ص ۱۱۰؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۹۴.

۹. البحر المحیط، ج ۹، ص ۴۹۲؛ المیزان، ج ۱۸، ص ۲۸۴.

۱۰. جامع البیان، ج ۲۶، ص ۱۱۴؛ روض الجنان، ج ۱۷، ص ۳۳۷؛

المیزان، ج ۱۸، ص ۲۸۵.

۱۱. البحر المحیط، ج ۹، ص ۴۹۲.

۱۲. روح المعانی، ج ۲۵، ص ۱۶۳.

۱۳. جامع البیان، ج ۲۶، ص ۱۱۴.

۱۴. التفسیر الکبیر، ج ۲۸، ص ۹۶؛ البحر المحیط، ج ۹، ص ۴۹۳؛

المیزان، ج ۱۸، ص ۲۸۵.

۱۵. جامع البیان، ج ۲۶، ص ۱۱۴؛ روح المعانی، ج ۱۴، ص ۱۶۴.

۱۶. روح المعانی، ج ۱۴، ص ۱۶۵.

۱۷. الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۸.

۱۸. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۶۶؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۸.

۱۹. روح المعانی، ج ۱۴، ص ۱۶۳.

کنندگان پیمان رضوان نازل شد که خداوند از وفای آنان به عهد و پیمانشان آگاه بود.^۱ بر این اساس، روایت نقل شده از ابن عباس روایت‌های پیشین را تخصیص می‌زند؛ بدین معنا که تنها آن دسته از بیعت‌کنندگان پیمان رضوان وارد جهنم نمی‌شوند که مشمول آرامش الهی شده باشند، نه همه آنان. دلیل این مطلب آیه ۱۰ همین سوره است که بیعت با پیامبر ﷺ را به منزله بیعت با خدا، و بیعت شکنی با پیامبر ﷺ را بیعت شکنی با خدا دانسته و بشارت پاداش را تنها به کسانی داده که بر پیمان خویش وفادار بمانند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (فتح/۴۸، ۱۰) این آیه در چپ‌نشین آیات این سوره، پیش از آیه رضوان قرار گرفته؛ اما از حیث نزول پس از آن نازل شده است. از این جهت به آن آیه شرط گفته‌اند که رضایت خداوند از بیعت‌کنندگان را به عدم مخالفت با پیامبر و وفا به عهد و پیمانشان با ایشان مشروط می‌کند. آن‌ نیز گفتار برخی از بیعت‌کنندگان رضوان مؤید این است که آنان پس از بیعت رضوان اعمالی مرتکب شدند که خود از آینده خویش در

هراس بودند. براء بن عازب که یکی از آنان بود، در پاسخ کسی که او را به سبب شرکت در بیعت رضوان آسوده خاطر می‌پنداشت، گفت: کسی نمی‌داند که شرکت‌کنندگان در بیعت رضوان، پس از آن، چه کارهایی کردند و چه انحراف‌هایی در دین پدید آوردند.^۴

◀ منابع

الاصفنی: الفیض الکاشانی (م. ۱۰۹۱ق.)، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ البحر المحیط: ابوحنان الاندلسی (م. ۷۵۴ق.)، به کوشش عادل احمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق؛ تاریخ خلیفه: خلیفه بن خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، علمی، ۱۴۰۳ق؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار الکتاب، ۱۴۰۴ق؛ التفسیر الکبیر: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ روح المعانی: الکووسی (م. ۱۲۷۰ق.)، به کوشش محمد حسین، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ الروض الانف: السهیلی (م. ۵۸۱ق.)، به کوشش عبدالرحمن، بیروت، دار

۱. الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۶

۲. المیزان، ج ۱۸، ص ۲۹۲.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۱۵.

۴. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۶۶.

آیه سقایة الحاج: نوزدهمین آیه سوره توبه، درباره آب دادن به حاجیان و تعمیر مسجدالحرام و ایمان به خدا و قیامت و جهاد در راه خدا

سقایة از ریشه «س - ق - ی»، مصدر و به معنای آب دادن دیگران است.^۱ از این رو آیه ۱۹ توبه/۹ آیه سقایة الحاج نام گرفته^۲ که واژه سقایة در آن آمده و بیانگر آن است که ایمان به خدا و روز جزا و جهاد در راه خدا از سقایة* حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام برتر است: «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». (توبه/۹، ۱۹)

افزون بر معنای مزبور، واژه سقایة به معنای جای آشامیدن آب^۳ و نیز ظرف آب: «جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ» (یوسف/۱۲، ۷۰) آمده است. سقایة و آب دادن به زائران خانه خدا از مناصب و شئون مسجدالحرام بود که اعراب جاهلی بدان افتخار و مباحثات می کردند. سقایة از مناصبی بود که قُصِيَ بِن كلاب، از اجداد پیامبر گرامی ﷺ بعد از

احیاء التراث العربی، ۴۱۲ق؛ روض الجنان: ابوالفتوح رازی (م.۵۵۴ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م.۸-۲۱۳ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق؛ صحیح البخاری: البخاری (م.۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۴۰۱ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م.۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۴۱۸ق؛ عیون الاثر: ابن سید الناس (م.۷۳۴ق.)، بیروت، مؤسسة عزالدین، ۴۰۶ق؛ الكامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م.۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م.۷۱۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ لغت نامه: دهخدا (م.۱۳۳۴ش.) و دیگران، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ مجمع البیان: الطبرسی (م.۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلامی، ۱۴۱۵ق؛ المعارف: ابن قتیبه (م.۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، شریف رضی، ۱۳۷۳ش؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م.۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المغازی: الواقدی (م.۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلامی، ۱۴۰۹ق؛ المنتظم: ابن جوزی (م.۵۹۷ق.)، به کوشش نعیم زرزور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ المیزان: الطباطبایی (م.۴۰۲ق.)، بیروت، اعلامی، ۱۳۹۳ق.

لطف الله خراسانی



۱. لسان العرب، ج ۶، ص ۳۹۱، «سقی»: لغت نامه، ج ۹، ص ۱۳۶۷۸، «سقایة».

۲. نهج الحق، ص ۱۸۲؛ الصحیح من سیرة النبی، ج ۵، ص ۱۲۳.

۳. القاموس المحيط، ج ۴، ص ۳۴۳؛ تاج العروس، ج ۱۹، ص ۵۳۰.